



۲۰۱۶/۰۶/۰۵

محمد ناصر مستجاب

کارستان هاشمیان در افغان جرمن آنلاین

قسمی که در نوشته چند روز پیشم متذکر شدم، به پورتال آزاده "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" از دل و جان علاقه دارم و مطالبش را روزمره منظم می خوانم. اگر وقت یاری کرد، به سایتهای دیگر هم گذر می نمایم و به درجه اول به سایت وزین "آریانا افغانستان آنلاین". در سابق مطالب "افغان جرمن آنلاین" را نیز از نظر گذشتانده و مناقشات معقول بعضی نویسندگان را با توجه تعقیب می کردم. مگر حالا این روند شکسته است و به ندرت اتفاق می افتد که به "افغان جرمن" روی بیاورم. دوست عزیزی از جرمنی تیلیفون کرد و گفت که در پورتال "افغان جرمن" در مورد "مستجاب" باز مطالبی نوشته شده. زود بدانجا رفته و نوشته های داکتر صاحب "هاشمیان" و مطالبی را که بدین ارتباط در نظرخواهی آن سایت نشر شده، مرور نمودم. اینست که قلم را به کف گرفته و سطوری را سیاه می کنم. بلخ گزین که در تاریخ به القاب مختلف، من جمله "بخدیم سریرام" یاد شده است، با تقدیم فرزندان نامی به جامعه بشری، افتخارات بی اندازه فراوان آفریده است. از زمره افتخارات بلخ که افتخار تمام عجم است، فردی ست شاذ و فرید به نام "جلال الدین محمد، فرزند بهاءالدین ولد" - مشهور به حضرت "مولانا" که ترکان "مفلانا" خوانندش. این شخصیت محتشم که واقعاً هم جلال دین مقدس اسلام است، در کتاب باشکوه "مثنوی" خود، سخنانی را انداخته که هرکدام برابر است با در و گوهر. مثلاً در حکایت چوپان و حضرت موسی (ع) از زبان خالق تعالی فرموده است:

هرکسی را سیرتی بنهاده ایم

هرکسی را اصطلاحی داده ایم

خداوند(ج) انسانها را متفاوت آفریده و به هرکس خوی و خاصیت و زبان و بیان و استعدادی اعطاء فرموده است:
- یکی را راست آفریده است و صاف، با دلی روشن مثل "آئینه، که در آن از غبار اثری نیست. اکثر ابنای بشر را از همین سیاق خلق کرده است؛ به درجات مختلف، یکی را با صفاتی بیشتر و دیگری را با صفاتی کمتر.
- دیگر را مکدر آفریده است، چون شب تار، و آغشته با غش و غبار. ازین سنخ مگر:
- یکی را مفتن و مکار ساخته است، در حدی که سر شیطان را هم می خارد
- دیگری را متملق و مداح و سادو ساخته است؛ تا سگ هر سوار باشد
- سومی را فاقد عقل آفریده است، در نصایبی که دیگران بر شانه هایش سوار شوند
و عجب که پورتال "افغان جرمن" را با ارزانی کردن انسانان سه گروپ آخر، سرشار ساخته است.
مگر عقل چیست؟ بدون شک که خبرگان و دانشمندان جهان، از قدیم تا به امروزه روز در زمینه بسیار سخن گفته اند. مگر من سخن خود را می زنم و همان را می نویسم که در ذهن خود منقش گشته و درست می نماید:

از نگاه من، عقل چیز دیگری نیست، مگر قوه دراکه مغز که در آن معلومات ثقه و وافر به حیث معیارها ذخیره شده است. توانائی شخص عاقل در این نهفته است، که معیارهای درست سنجش در هر زمینه ای را در مغز خود جای داده و عیار خوب و بد زمانه را با همان معیارها تعیین کرده بتواند. به عبارت دیگر، وقتی از قضاوت عاقلانه سخن می گوئیم، بدین معناست، که ذخیره عقلی انسان عاقل، احوال و اخبار و پدیده های محیط و زمان را با معیارهای درخور، محک زده و حکم درست و مطمئن صادر کند.

کسی که نظر به اثر علل و فکتورهای مختلف فاقد چنین دراکیتی باشد، فاقد قضاوت سالم و سلیم است؛ و ازین گونه اشخاص اند، که مورد سوء استفاده اطرافیان خود قرار می گیرند.

قسمی که من دریافته ام، آقای "هاشمیان" از قماش اشخاص آخرین گروپ است، که زیرکان و طراران "افغان جرمن" او را آله دست خود قرار داده و ازش باربار و در هر موردی سوء استفاده می کنند. چون از عبارت "در هر مورد" می گویم، بدین معناست که هر وقت مصلحت سایت "افغان جرمن" ایجاد کند، "هاشمیان" را وارد میدان می سازند و این انسان پرمدها که به دهل هرکس می رقصد، می کوشد رول خود را کاملاً به نفع مزوران "افغان جرمن" بازی کند. از همین سبب است که در هر کار و موضوع و مسأله ای دخالت می کند.

من فرموده های استاد معظم "سدید" را درباره دکتر "هاشمیان" کاملاً تأیید می کنم و می افزایم که سایت "افغان جرمن" با استفاده از نقاط ضعف "هاشمیان"، او را در هر موردی که خواسته باشد، استعمال می نماید. "هاشمیان" در حقیقت تیغ دودم و ذوالفقار "افغان جرمن" شده است - البته به قیمت نام و نشان و حیثیت خود "هاشمیان". من کسی را که در سطح "هاشمیان" بی آب، بی آبرو و بدنام شده باشد، سراغ ندارم. دلم به حال این پیرمرد موسپید می سوزد.

مقاله ای را که همین شخص شخیص مشخص بدین اوصاف، چند روز پیش نوشت و در آن از یک طرف، از "سیستانی" و گذشته آلوده به ننگش به دفاع برخاست و از طرف دیگر، جناب "ولی احمد نوری" را که شخصیت محترم است و از احترام همه برخوردار، مورد ملامت قرار داد. قضاوت آقای "هاشمیان" در زمینه نوشته های این دو شخص مشخص، کاملاً ظالمانه، نامعقول و سراسر دور از منطق است. من عجالاً وقت آن را ندارم که گفته های لاطائل آقای "هاشمیان" را نکته به نکته و ماده وار رد کنم؛ یقیناً خوانندگان فهیم، دراک و منصف نزد خود احکامی صادر کرده اند، که در هیچ صورت به نفع "هاشمیان" و "سیستانی" نخواهد بود.

و در مورد دعوت جناب "هاشمیان" از "مستجاب" و "احضار" وی به شهر فرانکفورت:

آقای "هاشمیان" از "احضار مستجاب" سخن می زند؛ مثل این که "مستجاب" کدام جرمی و جنایتی را ارتکاب ورزیده و یا قرضدار کسی باشد. بلی؛ کلمه "احضار" همین معنی را می رساند؛ یعنی "حاضر ساختن کسی به مقامات بالا و محکمه و مراجع قانونی". اما "هاشمیان" که از لغت شناسی و معنی شناسی، کوچکترین بوئی نبرده است و از طرف دیگر گپ زدن خود را نمی فهمد، بسا آرزوهای طراران "افغان جرمن" را خاک و دود کرده است. وای به جان افغان جرمن با ذوالفقارش!

محمد ناصر مستجاب از بلغاریا